



نگاهی به مکتب رفتار گرایی و تاثیر آن در آموزش و پرورش

افسانه مرزیه^۱، علیرضا آذرسا^۲، کاظم ازمهری^۳

۱.دکتر روانشناسی تربیتی و دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:marziyeh@ped.usb.ac.ir

۲.دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:Alirezaazarsa2001@gmail.com

۰۹۳۰۵۱۰۰۹۸۷

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش تحقیقات آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان

Email:azmehri65@gmail.com

چکیده

رفتارگرایی فلسفی یکی از شاخه های فیزیکیالیسم است فیزیکیالیسم نظریه ای است که نفس و حالات نفسانی را یا غیر واقعی می داند فیزیکیالیسم حذف (گرا و یا برای آنها واقعیتی جز امور مادی قائل نیست فیزیکیالیسم فروکاهش گرا) رفتارگرایی فلسفی نوعی فیزیکیالیسم فروکاهش گراست که بر مبنای آن نفس و حالات نفسانی با رفتار بیرونی انسان همسان پنداشته میشوند. این نظریه مبتنی بر سه دیدگاه است رفتارگرایی روان شناختی نظریه تحقیق پذیری معنا و نظریه زبان خصوصی ویتگنشتاین یادگیری فرایندی پیچیده است که افراد از دیدگاههای مختلف به بررسی آن پرداخته اند و هر یک جنبه ای از یادگیری انسان را به تصویر کشیده است در یک تقسیم بندی نظریه های یادگیری را به چهار نظریه رفتارگرایی شناخت گرایی، سازنده گرایی و ارتباط گرای تقسیم کرده اند. بر همین اساس در این مقاله به مروری اجمالی بر مبنای نظریه یادگیری رفتارگرایی پرداخته شد.

واژه های کلیدی: نظریه یادگیری، رفتارگرایی، روان شناختی، آموزش و پرورش



مقدمه

رفتارگرایی که یکی از مکتب های پرنفوذ روان شناسی است نه تنها در این زمینه بلکه در سایر علوم، نظیر جامعه شناسی روان شناسی اجتماعی و تعلیم و تربیت تأثیر و نفوذ علمی داشته و دارد از جنبه های عمده این نظریه که به آن ویژگی خاصی داده است میتوان از عینیت گرایی نام برد که بر اساس یک نگرش فلسفی تحت عنوان «پوزیتیویسم» استوار شده است (پناهی قانندی ضرغامی و عبداللهی، ۱۳۹۵) در دیدگاه رفتارگرایان انسان یک ارگانیسم تجربه گراست که استعداد بالقوه ای برای هر رفتاری دارد. به اعتقاد این گروه انسان در بدو تولد مانند لوح سفیدی است که هیچ چیزی بر آن نوشته نشده است هراسیم (۲۰۱۷). در این مکتب هدف، تعلیم و تربیت یعنی تشکیل ذهن به وسیله ایجاد ارتباط و اتحاد میان محتویات ذهنی که به وسیله امور خارجی وارد ذهن شده است بنابراین نظریه قوای ذهنی مثل حافظه دقت و تفکر ادراک و حتی احساسات عبارت اند از ترتیبات و تداعی هایی که در اثر برخورد ذهن با عوامل و موقعیتهای جدید به وجود آمده اند جان لاک جرج برکلی دیوید هیوم ؟ و جان استوارت میل به گسترش تجربه گرایی یاری رساندند به اعتقاد آنان معرفت واقعی از راه حواس حاصل می شود و ادراک تجربه حسی تنها وسیله ارتباط انسان تا واقعیتها و جهانی است که او را در برگرفته است این برداشت سبب شد که پژوهندگان به جای عقل فطری و نیروهای ذاتی به اهمیت حواس و نقش همخوانی و نظریه های محرک و پاسخ توجه کنند. لاک معتقد است در رشد، آدمی نخست احساس ظاهر می شود احساس پیش نیازی برای تفکر است. زیرا برای آن که ذهن بتواند عمل تفکر را انجام دهد نخست باید دارای اندوخته ای از تأثیرات حسی باشد (سیل، لمن، بلومشین و پودوسکی، ۲۰۱۷) انسان در هنگام تفکر تأثیرات حسی گذشته را به یاد می آورد و آنها را به شیوه های مختلف با هم ترکیب می کند تا امور انتزاعی و سایر اندیشه های سطح بالاتر را بسازد همه تصورها صرف نظر از انتزاعی بودن و پیچیده بودن آنها از این دو منبع سرچشمه می گیرند، با وجود این منبع نهایی همان تأثیرات حسی یا تجربه است. بارکلی نیز معتقد است. تمامی مواد و مصالح معرفت از ادراک حسی ناشی می شود و معرفت را مبتنی بر ادراک حسی میداند. معرفتی که از عقل و استدلال ناشی می شود باید نهایتاً بر معرفت مبتنی بر ادراک حسی استوار گردد. طبق رفتار گرایی، معرفت، می تواند به صورت عکس العمل مشروط تشکیل شود در این، جریان، مشابهت تضاد و یا مجاورت دو امر با هم و درک ارتباط به وسیله فرد باعث تشکیل معرفت می شود. تکرار یک کلمه در مجاورت با شیء معین یا خواندن یک شعر و تکرار آن خودبه خود امری را به ذهن فرد منتقل می سازد در این، جریان فهم دخالت ندارد و کسب معرفت خود به خود صورت میگیرد تکرار و تمرین، شرط اساسی کسب معرفت است. واضح است که نظریه های یادگیری در جهت توجیه و تفسیر نحوه انجام یادگیری آمده اند به وجود و سعی دارند تا مکانیزم یادگیری و تأثیر شرایط و محرک های درونی و بیرونی را در نحوه یادگیری بیان کنند. آگاهی از این نظریه ها به معلم کمک می کند تا بینش فکری خود را در مورد آموزش و تدریس گسترش دهد و بداند که هر انسانی با توجه به فلسفه ای که در ذهن دارد میتواند آموزش را به طرق گوناگون ارائه دهد وقتی معلم به نگرشهای مختلف فلسفی مجهز شده باشد بهتر می تواند روش مناسبی را بکار گیرد سارلی و ملکی (۱۳۹۶). رویکرد رفتارگرایی با تکیه بر اصول اثبات گرایی مطالعه عینی و رابطه محیط با رفتار تحت کنترل به عنوان یک پارادایم غالب در قرن ۲۰ به شمار میرود. در این رویکرد توجه به عینیت هدف اصلی روان شناسی است رفتارگرایان برای تحقق هدف فوق، حیوانات را مورد آزمایش قرار داده و این روش را سنگ بنای نظریه و عمل قرار میدهند آنها بدون هیچ گونه تفسیر ذهنی در پیش بینی و مهار رفتار مشاهده عینی رفتار را منبع اصلی اطلاعات به حساب می آورند. بنیاد معرفت شناسی رفتارگرایی را می توان در اندیشه های آن دسته از فیلسوفان انگلیسی قرن ۱۸ و ۱۷ که اصطلاحاً تجربه به تصورات نامیده می شود تلاشی بود برای اثبات این که کل گرا خوانده میشوند یافت مثلاً آنچه معمولاً نگرش جدید لاک مواد لازم برای معرفت از تجربه حسی اخذ میشود و اینکه تمام معرفت ما بر تجربه مبتنی است. هدف عمده رفتارگرایان تعیین یا کشف قوانین حاکم بر یادگیری است چرا که یادگیری عامل واقعی و عینی رفتار است. ارسطو فیلسوف بزرگ یونانی با مطرح ساختن و بکار بردن مفهوم تداعی معانی تقریباً نخستین اندیشمندی است که رفتارگرایی را بنیان گذاشته است. از نظر رفتارگرایی رفتار هر چیزی است که ما انجام می دهیم و مستقیماً قابل مشاهده است. از نظر رفتارگرایان تفکرات، احساسات و انگیزه ها موضوعات مناسبی برای علم رفتار نیستند چون مستقیماً قابل مشاهده نیست در این رویکرد همچنین بر اهمیت پیوند بین تجارب و رفتار، کودک تأکید میشود بیان می کند که رفتارگرایان عادت ها محصول یادگیری محسوب می شوند و به وسیله سه قانون بنیادی شکل می گیرند ۱ - شرطی شدن پاسخ گر ۲ - یادگیری مجاورتی - شرطی شدن کنشگر بیان میدارند نظریه رفتارگرایی ضرورتاً به یادگیری به عنوان یک فرایند کسب شده از رفتارهای جدید نظر دارد که خود را در چهارچوبی از پاسخ های خاص و مستقل از فرایندهایی که در دانش آموزان اتفاق می افتد نشان می دهد؛ این رویکرد در برنامه درسی پاسخهایی با روشهای متفاوت



ارائه کرده و انتظارات و تفاوت های فردی دانش آموزان در فرایند تدوین برنامه درسی را مورد بررسی قرار نمیدهد، شیری اشرفی فرد، کرمی زارعی و گندم کار (۱۳۹۹) اگر بخواهیم تصویر روشنی از مکتب رفتارگرایی معاصر به دست دهیم لازم است عقاید اسکینر را ملاک عمل قرار دهیم و گر نه مراجعه به عقاید گذشتگان و نظریه پردازان پیشین این مکتب که اکنون بیشتر اهمیت تاریخی دارند مبنای قضاوت درستی درباره وضع موجود رفتارگرایی برای ما فراهم نمی آورد، اسکینر استاد سابق دانشگاه هاروارد پرچمدار مکتب رفتارگرایی امروزی و یکی از شخصیت های بحث انگیز روان شناسی معاصر است او روان شناسی را علم رفتار میدانند که در کتاب علم و رفتار انسان (۱۹۵۳) شالوده آن را ریخته است وی در واقع عقاید ثرندایک را گسترش داد نظریه اسکینر در رفتارگرایی با نام شرطی عامل می باشد. شرطی عمل که بر اساس پیامد رفتار رخ میدهد منجر به تغییر در احتمال وقوع رفتار آینده خواهد شد. این موضوع قلب نظریه رفتارگرایی، اسکینر نظریه اسکینر بر دو فرض بنیادی قرار دارد یکی اینکه وی معتقد بود که رفتار انسان از قوانین خاصی پیروی میکند و دیگر این که علت های رفتار در بیرون شخص قرار دارند و میتوان آنها را مشاهده و بررسی کرد. وی معتقد بود تنها با تحلیل آزمایشی رفتار است که می توان درک و تبیین درستی از یادگیری به دست آورد. محیط مستقیماً و بدون واسطه فرایندهای ذهنی انسان را کنترل میکند و روانشناسی میتواند با اطمینان این فرایندها را از حیطه مطالعات روان شناسی علمی حذف کند او می گوید توجه به درون موجود زنده به منظور توصیف رفتار عواملی را که به سهولت قابل بررسی علمی اند نادیده میگیرد این عوامل در بیرون موجود زنده در دنیای پیرامون او و در محیطی قرار دارند که وی قبلاً آن را تجربه کرده است. نظریه اسکینر بر اساس مهار کردن رفتار " استوار است. وی در نظریات خود اصولی مانند فراگیری خاموش، سازی بهبود خود به خودی تأمین و تقویت شرطی را بیان می کند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع مروری بوده و از متون کتابخانه ای و پایگاههای اطلاعاتی مختلف برای تدوین مقاله استفاده شده است. مقاله مروری در یک موضوع تحقیق را به گونه ای خلاصه و سازماندهی می کند که بتواند به دیگران در فهم و تجمیع آن موضوع کمک کند یک مقاله مروری دانش زمینه های لازم در آن موضوع را به عنوان یک فرض در نظر میگیرد و به آن نمی پردازد و در عوض به طبقه بندی تحقیقات انجام شده در آن موضوع و دورنمای آن موضوعهای خوب سازماندهی شده تحقیقاتی پیشین در آینده و ارزیابی و مقایسه راهکارها و روشهای موجود میپردازد و هدف، آن فراهم کردن یک دیدگاه به خوبی سازماندهی شده و کامل از کارهای انجام شده در یک موضوع تحقیقی است پژوهش حاضر از نوع مروری است چرا که در آن به بررسی نظریه یادگیری و کاربرد آن رفتارگرایی مکانیزم های یادگیری و ... پرداخته شد. این اطلاعات و منابع به شیوه کتابخانه ای از تمامی منابع معتبر شامل کتاب مقاله ها و مجله ها سایت ها نشریه های رسمی و مطبوعات مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات مفید از همه آن ها استخراج شد.

۲- نظریه یادگیری رفتارگرایی

همان طور که از نام این نظریه بر می آید تأکید اصلی بر رفتار قابل مشاهده است. این نظریه ذهن را به عنوان یک جعبه سیاه در نظر میگیرد که در آن پاسخ ها به یک محرک خارجی با نادیده گرفتن فرایندهای تفکر که در ذهن رخ میدهد، می تواند به طور کمی مشاهده شود. این نظریه بر مبنای مفهومی است که یادگیری یک عملکرد تغییر در رفتار آشکار است که نتیجه پاسخ فردی به یک محرک یا رویداد (مانند حل یک مسئله ریاضیات) است.

این نظریه بر تأثیر شرطی سازی مانند شرطی سازی کنشگر تأکید دارد که در آن تقویت یک رفتار محرک - پاسخ، فرد را برای پاسخ دهی شرطی میکند. تقویت هر چیزی است که سبب ایجاد پاسخ مطلوب می شود به عنوان مثال، تحسین پاداش یا نمره خوب این نظریه بر یک الگوی رفتاری جدید متمرکز است که تا زمان خودکار، شدن تکرار می شود (معمدی بر آبادی و نوروززاده، ۱۳۹۸)



مکانیزم های نظریه یادگیری رفتارگرایی

تقویت مثبت یا پاداش در نظریه یادگیری رفتارگرایی : پاسخ هایی که پاداش داده میشوند احتمالاً تکرار می شوند به عنوان مثال نمرات ،خوب مطالعه دقیق را تقویت می کنند

تقویت منفی در نظریه یادگیری رفتارگرایی پاسخهایی که از موقعیت های دردناک و نامطلوب اجتناب می کنند، احتمالاً تکرار می شوند خاموشی یا عدم تقویت در نظریه یادگیری رفتارگرایی پاسخ هایی که تقویت نمی شوند احتمالاً تکرار نمی شوند برای مثال نادیده گرفتن سوء رفتار دانش آموز این رفتار را از بین میبرد.

تنبیه در نظریه یادگیری رفتارگرایی : پاسخ هایی که عواقب دردناک یا نامطلوب به همراه دارند، سرکوب میشوند؛ اما اگر تقویت تغییر کند ممکن است دوباره ظاهر شوند به عنوان مثال تنبیه یادگیرندگانی که با تأخیر به کلاس می آیند با سلب امتیازات تأخیر آنها را متوقف می کند (هرمیک و شمسودین؛ ۲۰۱۷)

کاربردهای نظریه یادگیری رفتارگرایی در آموزش و پرورش

- ۱).طبق قانون پاداش ثرندایک در نتیجه پیامد مطلوب ،رفتار پیوند بین محرک و پاسخ نیرومند میشود. طبق این قانون اگر در حضور یک محرک رفتاری انجام بگیرد و به نتیجه مطلوبی برسد پاداش دریافت (کند آن رفتار آموخته میشود. یعنی یکبار دیگر که آن محرک ظاهر شود به آن پاسخ داده خواهد شد
- مثلاً اگر کودک در کلاس اول بارها با رفتار محبت آمیز معلم مواجه شود، هر روز صبح با اشتیاق و شادی به مدرسه می رود اما اگر در همان روزهای اول با خشونت معلم و کارکنان مواجه شود علاقه ای به درس و مدرسه نخواهد داشت (بروک ۲۰۲۰)
- ۲).اسکینر نیز معتقد است که اقداماتی چون بیان دقیق اهداف آموزشی و تأکید بر اهداف به صورت رفتاری تدارک وابستگی های تقویت و تأکید بر تقویت های بیرونی و ثانویه مانند ستایش کلامی، بیانات چهره ای مثبت و سازماندهی آموزشی از مطالب ساده به پیچیده نقش مهمی در فرایند یادگیری دارد.
- ۳). نظریه رفتارگرایی از یادگیری برای اصلاح رفتار در مدیریت کلاس درس در شرایط بالینی و در توسعه آموزش برنامه ریزی شده قابل استفاده است
- ۴).در محیط های یادگیری حمایت شده با تکنولوژی تغییر آشکار در رفتار در فعالیتهای تکرار و تمرین و ارزیابی تکوینی نمایان است که بازخورد فوری و مثبت تمایل به ادامه فعالیت را تا پایان تقویت می کند.

نقدهای وارد بر نظریه یادگیری رفتارگرایی

- ۱) اصلی ترین نقد وارد بر نظریه ی رفتارگرایی این است که آنها نقش عوامل درونی و ذهنی افراد را در بروز رفتار نادیده میگیرند فلاسفه خردگرا مانند دکارت لایپ نیس و کانت با این نگرش مخالف هستند. در دیدگاه رفتاری این فرض نهفته وجود دارد که پیوند بین محیط و رفتار مستقیم است؛ اما این دیدگاه رفتارگرایی مورد چالش قرار گرفته است به ویژه توسط روان شناسان شناختی که معتقدند، افکار، انتظارات و آنچه فرد بدان توجه میکند بر نحوه رفتار کردن او تأثیر میگذارد (نجفی، ۱۳۹۸).
- ۲) روان شناسان گشتالت (نظیر کافکا)در مقام مخالفت با رفتارگرایان اظهار می داشتند که درست نیست رفتارهای ظاهری را با یادگیری برابر بدانیم به ادعای آنان تعریف فیزیولوژیکی رفتار لزوماً به معنای آن نیست که امر یادگیری حاصل ،شود بلکه یادگیری بدون تغییرات محسوس و مشهود در رفتار هم امکان پذیر است و این امر در بسیاری از موارد صدق می کند.



کورت لوین معتقد است که رفتارگرایی مشتر به پیش بینی های آماری متکی است و جامعیت ندارد و نمی تواند رفتار یک فرد معین در یک موقعیت خاص را پیش بینی کند.

بحث و نتیجه گیری

یادگیری و آموزش در محیط های پیچیده امروزی نیازمند توجه به ابعاد و فاکتورهای متفاوتی است. همان طور که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت هر یک از نظریه های یادگیری از جنبه ای فرایند یادگیری و عوامل مؤثر بر آن را تحلیل نموده اند. همان طور که در کتاب گذار در بحران آمده است:

مسئله مهم در معماری مطلوب و آینده آموزش آن است که رویکردهای کلان مختلف تعلیم و تربیت، با محوریت رویکرد یا دیدگاه سازنده گرا ضمن پوشش و استفاده از دیدگاه های شناختی و رفتارگرا در جایگاه مناسب آنها در پهنه تعلیم و تربیت رقم می خورد؛ و بر خلاف رویکرد موجود در رویکرد رفتارگرا منحصر و محدود نمی شود.

رفتارگرایی بر جنبه هایی آشکار و عواملی مانند، تقویت تنبیه و هدف های آشکار تأکید دارد نظریه شناخت گرایی بر ذهن و آنچه در آن اتفاق می افتد تأکید می کند. نظریه سازنده گرایی به طراحی محیط های یادگیری مبتنی بر مسئله می پردازد و در نهایت نظریه ارتباط گرایی که بر ایجاد ارتباط بین گره ها و ایجاد شبکه ها تأکید دارد.

امروزه رویکرد تلفیقی در استفاده از این نظریه ها مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است به نحوی که تأکید صرف بر یکی از این نظریه ها اشتباه بوده و باید متناسب با شرایط از اصول مختلف این نظریات استفاده کرد.

در روال استاد و شاگردی نه با سازوکارهای رفتارگرایی مطلق در آموزش عمومی در قالب یادگیری برنامه ای اسکینری نظیر کتاب درسی نمره رتبه و نظایر آن محقق میشود؛ بلکه سازوکارهای رفتارگرایی جوهری با استفاده از هدف گذاری مناسب، سنجش، نظارت بازخوردهای مناسب برای تشویق و تنبیه بخصوص برای ایجاد انگیزش درونی و لذت بردن شاگرد از یادگیری و ارتقای خصوصیات خود و نه انگیزه های کاذب نظیر، نمره متناسب با احوالات و شرایط و خصوصیات هر شاگرد می تواند این روال را رقم بزند در حالی که همه، مدارس با رویکردی صنعتی به صورت همسان، رویکرد ابلاغی کتاب های درسی را اجرا می کنند و این رویکرد در پهنه رویکرد تعلیم و تربیت رفتارگرایی مطلق یا رادیکال، یادگیری برنامه ای اسکینری را مبنای روش تعلیم و تربیت قرار میدهد.

منابع

- مطالعات روان شناسی و علوم سعیده (۱۴۰۰) بررسی نظریه های شخصیت در علوم تربیتی، ابراهیمی، اکبری، انسیه و تقی زاده، ۵۵-۱۶۸ (۴) ۶۷، تربیتی (مؤسسه آموزش عالی نگاره)
- سیامک، بوالی (۱۴۰۰) شباهت ها و تفاوت های نظریه های یادگیری رفتارگرایی شناخت گرایی و اصغری، خادمی
- پژوهش در نظام های. عبداللهی (۱۳۹۵). تبیین فلسفه یادگیری با تأکید بر نظریه یادگیری وینچ پناهی فائدی، یحیی، ضرغامی و ۲۰۸-۱۸۱، (۳۶) ۱۱
- ۲۱۴-۱۴۵۴۰۳ مطالعات روان شناسی و علوم تربیتی جعفرپور (۱۳۹۷) تأثیر سنجش و ارزشیابی در یادگیری مطالعات روان شناسی و ملکی (۱۳۹۶)
- روشهای تدریس و خواندن توجه به نظریه های یادگیری و خواندن) سارلی و زبیده،
- (۳) ۱۸-۱. علوم تربیتی،
- شیری، اشرفی فرد حورا، کرمی زارعی و گندم کار (۱۳۹۹). نظریه رفتارگرایی شرطی سازی کنشگر و کاربرد آن در آموزش ۱۳۱۷۳۹-۱، (۴۲) رویش



در آموزش علوم پزشکی.

- Brau, B., Fox, N., & Robinson, E. (۲۰۲۰). Behaviorism. The Students' Guide to Learning Design and Research.
- Brock, R. (۲۰۲۰). Connectionism Edward Thorndike. In Science Education in Theory and Practice (pp. ۱۰۱-۱۱۲). Springer, Cham
- Harasim, L. (۲۰۱۷). Learning theory and online technologies. Routledge.
- Harasim, L. (۲۰۱۷). Learning theory and online technologies. Routledge. Hernik, M., & Shamsudheen, R. (۲۰۱۷). Learning theories.
- McLeod, S. A. (۲۰۱۷). Behaviorist approach.
- Seel, N. M., Lehmann, T., Blumschein, P., & Podolskiy, O. A. (۲۰۱۷). Instructional design for learning: Theoretical foundations. Springer.
- Skinner, B. F. (۱۹۸۸). The selection of behavior: The operant behaviorism of BF Skinner: Comments and consequences. CUP Archive.
- Smith, A. C., Skinner, J., & Read, D. (۲۰۲۰). Philosophies of organizational change: perspectives, models and theories for managing change. Edward Elgar Publishing.
- Walker, S. (۲۰۱۷). Learning theory and behaviour modification. Routledge.
- Ziafar, M., & Namaziandost, E. (۲۰۱۹). From Behaviorism to New Behaviorism: A Review Study. Loquen: English Studies Journal, ۱۲(۲), ۱۰۹-۱۱۶.